

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

دولت برای بهبود وضع اجتماعی زنان تطبیق برنامه‌های متعدد از قبیل: لغو تعدد زوجات، تعیین حد اقل سن ازدواج، حق انتخاب شوهر، رفع حجاب، پروگرام تربیه قابله‌ها، تدریس مشترک بچه‌ها و دختران سن شش تا پانزده ساله، تأسیس زایشگاه‌ها، فرستادن دختران برای ادامه تحصیل به خارج، علی‌الخصوص در رشته‌های بلگی و تدریسی را در مراحل مختلف دوره مشروطه در نظر داشت. اما تعمیل و تطبیق همچو برنامه‌ها در جامعه عقب مانده چون افغانستان کار سهل نبود، هر پیشنهادی با صلاحی باید توسط وکلای مردم در شوراها و یا جرگه‌ها مورد بحث و مذاقه قرار می‌گرفت و از طرف آن مؤسسات می‌بایست تصویب میشد تا بعداً قوت اجرائی کسب مینمود.

بی‌مورد نخواهد بود تا در این مقاله خانم عالم و روشنفکری به نام «عذرا» را که به نمایندگی از جمعیت نسوان افغانستان طور پیشنهادی به وکلای لوی جرگه پغمان به دست نشر سپرده شده بود، با ایجاز و اختصار از «سفرهای غازی امان‌الله شاه» اثر محترم عزیزالدین وکیلی پولزائی اقتباس نمائیم: «هر شخص عاقل میدانند که ترقی هر ملت بسته به ترقی و دانش نسوان است اگر زن که نصف عده یک مملکت را تشکیل میدهد، نادان باشد، آن مملکت از کجا میتواند در میدان زندگی قدم گذاشته و مقابل سیل بنیادکن حوادث استادگی نماید. از اینجا است که یگانه قاید توانای ما یان نکته پرداز فائق پی برده و در مقابل جهل با تن تنها مقابله مینماید. همه کس میدانند و حاجت به اظهار آن نیست که نهضت و جنبش توده‌ئی نسوان در اثر جد و جهد و کوشش‌های شبانه‌روزی و زحمات طاقت‌سوز آن یگانه حامی حقوق ما: امان‌الله شاه غازی است که نام ما پرده نشین‌ها در قطار زن‌های ملل زنده شده دنیا منسلك شده و تا اندازه‌ای

از خمودت و جمودت بر آمده ، رسم زندگی خود را از خود و بیگانه ، از خارجی و داخلی شنیده و می‌شنویم . خود دقت کنید که تنها همین محی و مری کل افغانستان و مخصوصاً ما توده پس مانده نسوان است که با همه موجودیت خود در قبال هزاران اشکال و سیلابهای کوه پیکر جهالت خود داری کرده و میکند . دیگر کدام يك نفر پیدا شده که غمخوار ما توده نسوان بوده باشد . سرمایه داران ، متمولین و ملیونر های ما که بسیار پارک های قشنگ و قصر های مجلل دارند ، کدام از کیسه خود پولی در راه تعلیم و دانش ما صرف کرده اند ، بلکه بعضی از رجال جاهل و نادان در این قرن فوتافون و دکتافون ما را از تمام حقوق بشری محروم گذاشته ... رویهمرفته زنهای افغانستان آماده هرگونه ترقی و پیشرفت است ... موقعیت جغرافیائی این خطه پاک استعداد بلند قریحه تابناک ، هوش سرشار ، چنانچه به مردانش احسان نموده به ما نسوان نیز بخش نموده و از طبیعت حصه پوره و مستوفائی را مالکیم . اما بدبختانه جهالت و تعصب خشک و دشمنان حقیقی علم و معرفت ما حق حیات را از ما سلب نموده و از هرگونه حقوق بشری محروم کرده . اما امروز الحمد الله به نیروی فکر و قوه بازوی یکانه مربی و محی خود امان الله شاه میتوانیم جوش دل و حرارت صادقانه خود را نشان بدهیم . اکنون وظیفه و کلاء ماتوده نسوان است که با يك شهامت اخلاقی و قوه و تدبیر و منطق بسیار قوی از حقوق مشروع ما دفاع نموده و در قبال آن هرگونه فداکاری و جانفشانی دریغ نفرمایند . ما به وکلاء خود پیش از پیش یاد آوری میکنیم که از همه اولتر رفح جهالت و نادانی ما به عبارت دیگر یگانه دشمن خونخوار ماسیه روزان را نموده مکاتب و مدارس متعدد نسوان که در آن معلمات با عفت و اخلاق صحیح تعلیم نمایند ، تأسیس نمایند . پیش از پیش يك کودکستان (پرورشگاه اطفال) به اصول امروزه دنیا که در آن تمام قواعد اخلاقی و اصول تربیه عالی موجود باشد ، افتتاح نمائید ، زیرا حال و آتیة يك مملکت بسته به وجود ما دران تعلیم یافته و با تربیه است . ما در است که در دامن خود امان الله میپرورد ...»

مکتب مستورات :

اولین مکتبی است که تحت همین نام در ۱۹۲۱ م در شهر کابل تأسیس شد ، در آغاز کار دارای سی و چهار شاگرد بوده ، بعداً به تعداد شاگردان آن افزوده شده از هشتاد تا دویست تن رسید . (۱۰۲) بازرسی و مراقبت این مکتب را مستقیماً ملکه ثریا به عهده داشت .

مکتب عصمت :

چون تقاضای برای شمولیت در مکاتب زیاد بود ، مکتب مستورات به تنهایی ظرفیت و گنجایش آنهمه متقاضیان را نداشت بناءً جهت رفح این نقیصه مکتب دیگری به نام عصمت تأسیس گردید . علاوه از دو مکتب فوق الذکر ده ها مکتب دیگر به سویه های مختلف - ابتدائی ، رشديه ، تدبیر منزل ، مدرسه تربیه معلمات به سویه ابتدائی ، کورس های سواد آموزی (تدریس یکی از این کورس های سواد آموزی را شخصاً اعلیحضرت امان الله خان به پیش میبرد) ایجاد شدند .

در ۱۹۲۴ م در اثر تلاش و جدوجهد زنان پیشتاز و رهنمائی دولت مشروطه «انجمن حمایت زنان» و «شفاخانه نسوان» گشایش یافت که وظیفه عمده انجمن مذکور رهنمائی زنان در عرصه های مختلف اجتماعی ، فرهنگی و ایجاد مکاتب ، مراکز و کورسهای نسوان بود . بعد از گشایش شفاخانه زایشگاه پلان افتتاح کورسهای قابلگی در نظر بود ، اما برای رفح عاجل این نیازمندی دولت گروهی از دختران افغانی را در سال ۱۳۰۷ هـ به ترکیه اعزام نمود که بعد از سقوط دولت امانی در ۱۳۰۸ هـ آنها توسط حکومت محمد نادرخان دوباره به کابل خواسته شدند که از آنجمله عده معدود آنها با زگشت نمودند و اکثریت شان تا ختم

کورس ها به دروس شان ادا داده دادند و « گوهر خانم » معلم نسوان در ۱۳۱۸ هـ ش و سر معلم مسلکی مؤسسه « د میرمنو تولنه » یکی از جمله فارغان کشور ترکیه بود که در سال ۱۳۴۸ هـ ش در شهر کابل وفات یافت . (۱۰۳)

نشرات نسوان :

دولت مشروطه جهت اشاعه هر چه بیشتر علم و معرفت و تربیت و پرورش زنان مجله « ارشاد النسوان » را هفته یک بار به نشر میرسانید که متن و محتوای آنرا عموماً خبرهای داخلی و خارجی ، مقاله ها ، تبصره ها و اطلاعات پیرامون زندگی زن تشکیل میداد و مدیر مسئول آن اسماء رسمیه همسر محمود طرزی و سر محرران روح افزا برادرزاده او بود (۱۰۴)

زیور زن :

توسط مرزا محمد جعفرخان قندهاری مدیر روزنامه افغان در مطبعه ارشاد النسوان به طبع میرسید . (۱۰۵)

سایر نشرات عصر مشروطه :

در عصر مشروطه در کابل و ولایات کشور نشرات متعدد به چاپ میرسید که ما عده معدودی از آنها را با استفاده از « سیر ژورنالیزم در افغانستان » تذکر میدهیم :

امان افغان :

نشریه پانزده روزه با مطالب متنوع داخلی و خارجی ، در ۲۲ حمل ۱۲۹۸ هـ ش ۱۲ اپریل ۱۹۱۹ م در افق مطبوعات کشور درخشید و اولین مدیر مسئول آن مرحوم عبدالهادی داوی بود که در قطار مبارزین و مشروطه خواهان دوم قرار داشت .

روز نامه ها :

افغان ، ابلاغ ، حقیقت در مرکز و اتحاد مشرقی در جلال آباد مرکز ولایت ننکرها به نشرات آغاز نمودند

هفته نامه ها :

هفته نامه های ذیل در ولایات کشور جهت تنویر اذهان عامه به چاپ میرسید : غازی در خوست ولایت پکتیا ، اتفاق اسلام در هرات ، ستاره افغان در پروان ، اتحاد اسلام (بیدار) در مزارشریف ، اصلاح در خان آباد و طلوع افغان در قندهار ، ارشادالنسوان (نخستین هفته نامه نسوان در افغانستان) در کابل .

مجلات :

معرف معارف ، مجموعه عسکریه ، مجموعه صحیه ، ثروت ، آئینه عرفان و پشتون رخ از جمله مجلات معروف کشور بودند که در کابل نشر میشدند .

مطبوعات آزاد :

انیس ، نسیم سحر و نوروز شامل مطبوعات آزاد آن دوره بودند که هر پانزده روز یک بار نشر می شدند .

اصلاحات در ساحه خرافات و موهومات اجتماعی :

یک تعداد نویسندگان مساعی دولت مشروطه را علیه خرافات و سنن ناپسندیده اجتماعی که نه تنها در آنوقت بلکه تا اکنون دامنگیر مردم ما است درآثار خود به نام « اصلاحات مذهبی » ثبت نمودند که نویسنده این سطور در درستی این عنوان گذاری شك و تردید دارد ، زیرا طوریکه اسناد و وثایق نشان میدهد دولت مشروطه در مدت ده سال عمر خود هیچ گاه اقدام به « اصلاح مذهب » نکرده ، زیرا

رهبر دولت مشروطه - اما ن الله شاه علاوه از آنکه در علوم اجتماعی و سیاست دانا و توانا بود، در شریعت نیز تبحر قابل ملاحظه داشت و او میدانست که اصول اسلام هیچ نوع ریفورم را نمی پذیرد و اصلاحات او هم ربطی به اصول و متن آئین اسلام نداشت، بلکه مقصد اصلی او مجادله علیه رسوم و عنعنات سنتی کهنه که در زیر پوش شریعت از آنها بهره برداری های شخصی و گروهی صورت میگرفت، بود. مخالفین اصلاحات به نیکوئی میدانستند که اما ن الله خان يك مسلمان صادق است و هیچ مخالفتی با مذهب و دین ندارد. فلذا تمام تبلیغات و اقدامات آنها علیه دولت به خاطر تطبیق پلان های اصلاحی بود که در اثر آن امتیازات آنها به خطر مواجه میشد.

مروری به تاریخ مشروطیت نشان میدهد که قشر روحانیون در بدو انقلاب مشروطه با مبارزین هم‌رزم و هم‌سنگر بودند، چنانچه مولوی محمد سرور و صفالکوزی و یاران او از جمله اولین قربانیان این آرمان ملی هستند و یاقامیل پرنفوذ دیگر روحانی که در سمت دهی سیاست افغانستان در او خرسده نزد هم و سراسر قرن بیستم نقش بسزائی داشت یعنی خانوادۀ حضرت مجددی به قیادت حضرت فضل محمد مجددی معروف به شمس المشایخ و بعداً حضرت فضل عمر مجددی ملقب به نور المشایخ، که آنها در جنگ استرداد استقلال کشور در محاذ پکتیا سهم گرفتند و مردم قبایل را علیه انگلیسها به خاطر تحصیل استقلال تشویق و تحریک مینمودند که تا حدود زیاد موفقیت و پیشرفت محاذ جنوب شرقی مرهون سهم فعال مجاهدین، قبایل و موجودیت روحانیون علی‌الخصوص حضرات شمس المشایخ و نور المشایخ بود که آنها در بدل آن خدمات از جانب اما ن الله خان به کسب القاب اعزازی و بخشش جایداد و زمین های مزروعی نایل شدند اما متعاقباً به تناسب طرح و تطبیق پلان های اصلاحی مترقی، تغییرات در سیستم اداری کهنه و جلوگیری از فساد، سوءاستفاده و لغو امتیازات گروه های خاص، دامنه تبلیغات و فعالیت های ضد دولتی آنها هم وسیعتر گردید.

روحانیون در شهرها و مراکز به حیث قاضی، مفتی و محرر ودر ولایات به صفت امام، مدرس و غیره ایفای وظیفه مینمودند که با تطبیق اصلاحات فساد اداری، امتیازات مستمری و ارتشاء ریشه کن و این دگرگونی باعث میشد تا این قشر نتواند مانند گذشته به زندگی طفیلی ادا میدهده. بناءً به قول «لیون پولادا» محقق امریکائی مشکل دولت با روحانیون مشکل سیاسی بود نه مشکل مذهبی.

در این جا طور نمونه بعضی از موضوعات شامل پروگرام اصلاحات دولت را تذکر میدهیم تا خواننده محترم خود در مورد «خلاف شرعی بودن!» آنها قضاوت نماید: نکاح دختر صغیره، تربیه ملای با سواد، ملاها با داشتن مجوز و تصدیق دست داشته میتوانند نوجوانان کشور را تدریس نمایند، تحصیل پسران با دختران در دوره ابتدائیه، تأسیس مکاتب، اعزام دختران و پسران (در معیت رهنما) برای تحصیل به خارج، قیود فعالیت های ملاهای دیوبندی در جامعه افغانی، لغو پیری و مریدی صرف در مؤسسات نظامی، رفع حجاب مطابق احکام شرعی (۱۰۶)، تبدیل سنه هجری قمری به هجری شمسی (۱۰۷) و غیره.

اگر مواد شامل پروگرام اصلاحات فوق الذکر به درستی مورد ارزیابی قرار گیرند، نه تنها مخالف شریعت نیستند بلکه اکثریت آنها موافق آن است. تاریک اندیشان و دشمنان اصلاحات قصاداً عمداً به هر حرکت و مخالفت مردم در برابر دولت صبغه مذهبی میدادند تا با تحریک احساسات پاك مردم، دولت را تضعیف و امتیازات و منافع خود را در جامعه حفظ کرده باشند. شورش منگل در سال ۱۹۲۴ م تحت رهبری ملا

عبدالله (معروف به ملای لنگ) بهترین نمونه آن است، چه این حرکت در آغاز شورش خلی کوچک و عامل عمده آن سواداره دولت بود که با اندک توجه میتوانستند راه حل برای آن پیدا نمایند، اما ملاها آنرا به شورش مذهبی تبدیل نمودند. ملا عبدالله حتی از مذاکره و مفاهمه با علمای طرفدار دولت به ارتباط (خلاف شرعی بودن) مواد اصلاحات ابناء ورزید و یگانه تقاضای او برطرفی امان الله شاه بود.

به هر صورت دولت جهت دفاع از اصلاحات مطروحه خویش تصمیم گرفت تا یک بار دیگر (۱۹۲۴ م) وکلای لوی جرگه اولی را احضار و مجلس همگانی دومی را در شهرک پغمان دایر نماید تا شکایات به اصطلاح مذهبی! ملاها را در آن مطرح نماید. در این لوی جرگه باز هم طوریکه دیده میشود موضوع حاد و جنجال برانگیز «قانون جزاء» بود، زیرا این قانون صلاحیت قاضیها و مفتیها را محدود و از استفاده جوئی و رشوه ستانی جلوگیری مینمود. دولت در این لوی جرگه تا اندازه ای نرمش و عقب نشینی را پذیرفت و ترمیمات چند در قانون اساسی سال ۱۹۲۳ م وارد نمود که این موضوع در بخش مربوطه اش قبلاً به تفصیل تشریح شده است.

شکی نیست که شورش پکتیا، عقب نشینی قسمی دولت و ترمیم قانون اساسی اولی بالای روحیه دولت اثرات منفی از خود به جا گذاشت که در نتیجه از سرعت طرح و تطبیق پلانهای اصلاحی بین سالهای (۱۹۲۵-۱۹۲۸ م) کاسته شد و دولت فعالیت های خود را بیشتر در عرصه های اداری و معارف محدود نمود. اما این وضع مدت طولانی دوام نکرد و شاه جوان با دیدن پیشرفت های ممالک اروپائی، عقب ماندگی کشور خود را تحمل نتوانست. بنا بر آن یک سلسله پلانهای اصلاحی را از سر گرفت و جهت اجرای سریع و بلا مانع آنها ملاها را تحت فشار و تهدید قرار داد. شاه اعلان نمود که بعد از این از معیارهای جزائی شدیدتر علیه ملاهای متمرده استفاده خواهد شد. دولت تمامی پلانهای جدید عصری سازی افغانستان را جهت تصویب به لوی جرگه منعقد شده سال ۱۳۰۷ هـ (۱۹۲۸ م) پغمان ارائه نمود که از جانب وکلا قسماً تصویب و قسماً تردید گردید. متعاقباً شاه کنفرانس چهار روزه به خاطر تشریح پیشنهادات خود برای مردم دایر نمود که در آن ملاها را شدیداً تقبیح و به قول (لیون پولادا): «شاه امان الله خان به این عقیده رسید که حضرت شوربازار جاسوس انگلیس است و تصمیم دارد انقلابی را همراه فامیل خویش به راه اندازد.» اکنون دیگر مناسبات با ملاها تیره شده بود. چون اخیرالذکر از وضع تبلیغاتی بهتری برخوردار بود، فلذا نتوانست مردم بیسواد و راسخ العقیده ما را با شعارها و مطالب تخریش کننده ذیل علیه دولت و اصلاحاتش تحریک نماید:

«امان الله خان کافر شده است، زیرا در مسافرت اروپائی خویش گوشت خوک و شراب خورده، پروگرام های تجدیدی مرکب از برهنه ساختن زن ها، برانگیختن دخترها علیه والدین شان است و این اعمال همه مخالف مقررات مذهب اسلام است.» (۱۰۸)

مصادف با آن اوضاع نا به سامان، حضرت محمد صادق مجددی معروف به حضرت شوربازار، یکی از روحانیون بزرگ کشور اولین ضربه را برپیکر دولت حواله نمود، بدین معنی که مشارالیه امضاء چهارصد تن ملا را علیه اصلاحات دولت و تکفیر امان الله خان تهیه نمود که شاه از شنیدن آن مضطرب گردید و بنا بر آن جهت خنثا نمودن این ماجرا جوئی و طلب فتوانامه مذکور قاضی القضاات قاضی عبدالرحمان خان را نزد حضرت شوربازار فرستاد، اما قاضی موصوف یکجا با محمد صادق مجددی و تعداد دیگری از روحانیون فرار را بر قرار ترجیح داده عازم ولایت پکتیا شدند. محمد صادق مجددی در این

سفر برادر زاده جوان خود محمد معصوم مجددی پسر بیست و دو ساله شمس المشا یخ را نیز همراه داشت تا مبادا در کابل تحت فشار حکومت قرار گیرد. آنها مستقیماً وارد منطقه جاجی شده باب مذاکره را با مردم باز نمودند و برای مردم محل تشریح نمودند که اصلاحات امان الله خان مخالف شریعت است، مابه او مشوره دادیم اما پیشنهادات شرعی ما را نادیده گرفت، حالاً نزد شما آمده ایم تا در مورد وخامت اوضاع با شما مذاکره نمایم. مردم پیشنهادات این گروپ را نپذیرفتند اما اظهار نمودند که اگر به هند بریتانوی و یا کابل میروند آنها را یاری میکنند. آنها بعد از مشوره بین خود فیصله نمودند تا دوباره به کابل برگردند. بناء در ساحه جاجی به قلعه نظامی دولتی که قومانده آن عبدالغنی خان سرخابی بود خود را تسلیم نمودند، قومندان موصوف آنها را به گردیز انتقال داده و از آنجا تحت الحفظ به کابل فرستاده شدند. در کابل بعد از محاکمه مختصر نظامی قاضی عبدالرحمان خان با عده ای از همراهانش اعدام و حضرات مجددی هر یک محمد صادق مجددی و محمد معصوم مجددی نظر به صواب دید دولت و ملحوظات خاص دیگر محکوم به حبس گردیدند. اما از آنجائیکه این رویداد، با اغتشاشات شنوار و شمالی همزمان بود، با اوج گیری شورش های مذکور آنها مورد عفو دولت قرار گرفتند و از زندان رها گردیدند. (۱۰۹)

با در نظر داشت مطالب فوق الذکر چنین به نظر میرسد که کشمکش های ملاحا و گروه روحانیون با دولت مشروطه یک مبارزه سیاسی بود تا مذهبی. به قول لیون پولادا نویسنده امریکائی اگرچه امان الله خان در ششم جنوری سال ۱۹۲۹ م اعلان پادشاهی ذیل مبنی بر انصراف از تطبیق اصلاحات را با این متن صادر نمود:

« پیشوایان مذهبی را از محابس رها، مکتب دختران را بسته، روز جمعه را دو باره رخصتی ساخته، قیودات موضوعه بر ملاحا های دیوبندی مرفوع، داشتن تصدیق علمی ملاحا لغو، محتسب دو باره مقرر و قیودات پیری و مریدی را از مؤسسات نظامی می بردارد. » تمامی این نرمش ها و عقب نشینی های دولت عطش پیشوایان مذهبی را نشکست و حمله تعرضی خود را تا سرحد سقوط نظام مشروطه ادامه دادند. اگر مخالفت سیاسی روحانیون و ملاحا را منحصراً یکی از عوامل فروپاشی دولت مشروطه حساب نمایم، با اضافه شدن سایر انگیزه ها، دولت امانی بعد از یک هفته سقوط نمود و ماستر پلان طویل المدت انگلیس نقطه به نقطه تطبیق گردید که تا امروز مردم بی دفاع ما انواع مصایب و آلام ناشی از آنرا متحمل میشوند.

ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767